

تعاونی‌ها را هکار اصلاح ساختار صنعت بیمه



◀ ذبیح‌الله اعظمی‌سار دویی
نماینده مجلس

پاشنه آشیل صنعت بیمه در ایران ساختار دولتی آن است. ایران برخلاف کشورهای توسعه‌یافته که شرکت‌های معظم بیمه‌ای در بخش خصوصی دارند، در ده‌های گذشته تلاش داشته است که شرکت‌های بیمه‌ای را به صورت دولتی اداره کند. در حال حاضر بزرگ‌ترین شرکت‌های بیمه‌ای کشور دولتی هستند و البته دولت امتحان خود را در بخش اقتصاد بارها و بارها پس داده است. طبیعی است که در صنعت بیمه هم اداره دولتی بیمه‌ها موفقیت‌آمیز نباشد و ما شاهد باشیم که در برخی رشته‌های بیمه‌ای صنعت بیمه زیان‌های سنگین را به ثبت برساند.

در حقیقت باید گفت که عارضه اصلی اقتصاد کشور چه در صنعت بیمه و چه در سایر صنایع این است که دولت به بخش خصوصی مجال عرض اندام ندهاده و بخش خصوصی همیشه در حاشیه بوده است. در مقابل اقتصاد دولتی هم به فشل‌ترین و ناکارآمدترین شیوه ممکن اداره شده و این مسئله باعث خروج سرمایه از اقتصاد کشور و عدم شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های جدید در تمام بخش‌ها و از جمله در صنعت بیمه شده است.

از آن سو اقتصاد کلان دولتی و ناکارآمد سبب بروز تورم دورقمی و کاهش قدرت خریداران شده است. در نتیجه کاهش قدرت خرید و کوچک شدن سفره مردم سبب شده که بیمه نوعی خدمات لوکس تلقی شود و مردم به آن تن ندهند. این در حالی است که شما در کشورهای توسعه‌یافته می‌بینید که از صدر تا ذیل خدمات و کالاهای مختلف بیمه هستند و ریسک را برای بیمه‌شدگان تا حد امکان کاهش داده‌اند.

بنابراین باید گفت که اداره دولتی اقتصاد از دو سوی ماجرا هم در ساختار عرضه و هم از نظر تقاضا شرکت‌های بیمه‌ای را آسیب‌پذیر کرده و از آنجا که بخش خصوصی در ایران ضعیف است و ضعیف نگه داشته شده، شرکت‌های بیمه خصوصی هم اغلب شرکت‌های کوچک و خرده‌پایی هستند که توان جلب رضایت مشتریان خود را ندارند و در محاسبه خسارات و ارائه خدمات بارها موجب انتقاد بیمه‌شوندگان شده‌اند. در نتیجه باید گفت که ساختار صنعت بیمه کشور گرفتار یک سیکل بسته و ناکارآمد است و اگر بخواهیم این سیکل بسته و ناکارآمد را اصلاح کنیم، نیازمند تغییرات اساسی ساختاری و جراحی ساختاری در بخش صنعت بیمه هستیم.

در این میان شاید بتوان گفت که شرکت‌های بیمه‌ای که بر مبنای اداره به صورت تعاونی فعالیت می‌کنند، می‌توانند راهکاری برای اصلاح ساختار بیمه باشند؛ چراکه این شرکت‌ها نه تنها با جذب نقدینگی سرگردان مردم به سمت

اقتصاد، به توسعه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد با ارزش افزوده بالا برای اقتصاد کشور حرکت کرده‌اند، که مشارکت مردم در سهامداری شرکت‌های بیمه‌ای می‌تواند باعث اعتماد بهتر همان مردم به صنعت بیمه شود.

بنابراین من فکر می‌کنم دولت برای برون‌رفت صنعت بیمه از وضعیت فعلی باید از تصدی‌گری در این بخش دست بردارد و الگوهای موجود و امتحان پس‌داده کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهای منطقه را برای صنعت بیمه در دستور کار بگذارد. ضمن اینکه از روش‌های خلاقانه و مردم‌نهاد مانند مشارکت تعاونی‌ها در صنعت بیمه استقبال کند.

در حقیقت باید گفت که دولت برای نجات اقتصاد کشور و در نهایت ساختار صنعت بیمه و بحرانی که در انتظار صندوق‌های بیمه و بازنستکی است، راهی جز احترام به بخش خصوصی و به رسمیت‌شناختن بخش خصوصی ندارد.

در حال حاضر بحران صندوق‌های بیمه و بازنستکی به عنوان یکی از ایرج‌الاش‌های اقتصاد ایران خوانده می‌شود و دولت ناگزیر است که از تصدی‌گری در این بخش دست بردارد و قبل از آنکه خیلی دیر شود زمین بازی را به دست بخش خصوصی توانمند و کارآمد بسپارد و با استفاده از الگوهای موفق جهانی و منطقه‌ای ساختار صنعت بیمه را اصلاح کند و از اختراع دوباره چرخ در این صنعت بپرهیزد.

یادداشت

توسعه اقتصاد کشور با همکاری صنعت بیمه و بخش تعاون

بیمه در مسیر خدمت به اقتصاد مردم‌نهاد



◀ مجید مشعلچی فیروز آبادی
قائم‌مقام بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در باره نقش تعاونی‌ها در اقتصاد ملی و مقوله‌های اجتماعی، موضوعات زیادی را می‌توان مطرح کرد ولی اگر بخواهیم به اختصار به بحث بپردازیم به حتم اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی و مشخصاً بند «ب» اصل ۴۴ قانون اساسی ملاک نظر خواهد بود که در رابطه با توسعه نقش تعاونی‌ها در اقتصاد کشور توضیح کاملی داده شده و هدف‌گذاری‌های کلانی انجام شده است. از جمله اینکه تا پایان برنامه پنجم توسعه باید ۲۵ درصد سهم اقتصاد ملی یا تولید ناخالص داخلی کشور را بخش‌های تعاونی بر عهده داشته باشند.

اما مسئله این است که همان‌طور که در کلیات برنامه هفتم توسعه نیز شاهد بودیم نقش تعاونی‌ها در اقتصاد کلان و در اقتصاد ملی بسیار کمتر از هدف‌گذاری‌های انجام‌شده است و به نظر می‌رسد ما در اجرای این اصل به بیراهه رفته‌ایم و در حرکت از سمت اقتصاد دولت‌پایه به سمت اقتصاد مردم‌نهاد روالی کند و پرفرازونشیب در پیش داشته‌ایم.

اگر سه ماهیت دولتی، تعاونی و خصوصی را در اقتصاد دنیا و ایران بپذیریم می‌توانیم از جنبه‌های مختلفی به ابعاد اقتصادی کشورها توجه داشته باشیم. اقتصاد دولتی در دنیا بیشتر درگیر مباحث زیرساختی توسعه اقتصاد است و تنظیم‌گری بین بخش‌های مختلف خصوصی و کسب‌وکارهای تعاونی را هدف قرار داده‌اند و مشخصاً اقتصاد دولتی جایی ورود کرده که بخش خصوصی و تعاونی به هر دلیلی تمایلی به حضور در آن حوزه نداشته است و به همین علت دولت‌ها برای تکمیل زنجیره اقتصادی، کسب‌وکاری و الزامات اقتصادی کشور ورود پیدا می‌کنند و گرنه در هر رویکردی اگر متقاضی از بخش‌های خصوصی با تعاونی وجود داشته باشد دولت از حالت تصدی‌گری خارج می‌شود و در آن بخش بیشتر از جنبه حمایتی، تسهیلگری و تضمین‌کننده خرید محصولات و صادرات آنها ظاهر می‌شود. امروز بخش کوچکی از اقتصاد دنیا دولتی است و بخش اعظمی از اقتصاد متکی به بخش خصوصی و تعاونی‌های مردمی است که بار اصلی اقتصاد را به دوش می‌گیرند. در این میان آنچه اهمیت دارد گذر از بخش دولتی به بخش خصوصی است که متأسفانه در سال‌های گذشته به دلایل مختلف در کشور ما اقتصاد از بخش دولتی به سمت بخش شبه‌دولتی هدایت شده است به این ترتیب که اصول و هارچوب کسب‌وکار باز هم دولتی است و فقط در شکل و ظاهر کمی تفاوت پیدا کرده است. در واقع کسب‌وکارها فقط ظاهری خصوصی پیدا کرده‌اند و متأسفانه این بیراهه‌های بیش نبود که تبعات زیادی را برای اقتصاد کشور به بار آورد.

در رابطه با ماهیت خصوصی اقتصاد و ماهیت مبتنی بر تعاونی‌ها بحث و اختلاف نظر بسیار زیاد است که در این میان لازم است به تفاوت میان اقتصاد مبتنی بر تعاونی‌ها با اقتصاد مبتنی بر اشخاص

یا همان بخش خصوصی نگاهی داشته باشیم. به نظر می‌رسد در کشور ما و با توجه به فرهنگ غالب بر جامعه ما و تحریم‌هایی که بر اقتصاد کشور در سال‌های گذشته تأثیر داشته است بخش تعاونی‌ها می‌تواند اثر بسیار بهتری نسبت به بخش خصوصی داشته باشد.

اولین مزیت اقتصاد مبتنی بر نگاه‌های کسب‌وکار تعاونی مردم‌نهاد بودن آن است یعنی اقتصادی که مردم در آن هم کارگر و هم کارفرما هستند و صف‌بندی‌های غالب دیگر در میان نیست. مردم خودشان در سود کسب‌وکار سهیم هستند و همین انگیزه‌ای برای تلاش و مشارکت بیشتر خواهد بود.

از سوی دیگر عدالت بهتر و بیشتر اجرا می‌شود. سرمایه‌های اندک مردم در تعاونی‌ها به سرمایه‌ای کلان تبدیل خواهد شد که می‌تواند پروژه‌های کلان کاربردی اقتصاد کشور را پیش ببرد و از آنجا که مبتنی بر مردم است و عموم باید در جریان فعالیت‌ها قرار بگیرند به این ترتیب شفافیت بالا خواهد بود و برخلاف اقتصاد کاملاً خصوصی در آن از رانت‌های احتمالی جلوگیری می‌شود. البته تمامی این رویکردها زمانی ممکن خواهد بود که اقتصاد مبتنی بر تعاونی‌ها سهم زیادی از اقتصاد کشور را تشکیل

بدهد. در این میان ایجاد اشتغال مولد، بهبود فضای کسب‌وکار و نزدیکی به اقتصاد مقاومتی از دیگر مزیت‌های اقتصاد تعاونی محور است. اقتصاد مقاومتی سال‌هاست که در فرمایشات مقام معظم رهبری تجلی دارد و راهکار خروج اقتصاد کشور از انفعال به سمت و سویی مطلوب به شمار می‌رود و در این راستا اقتصاد تعاونی محور به شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بسیار نزدیک خواهد بود. به این ترتیب اقتصاد مبتنی بر تعاونی‌ها در کشور ما در ابعاد مختلف از چکالی و سنگینی بیشتری در مقایسه با اقتصاد کاملاً خصوصی و مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های شخصی برخوردار است و با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی کشور همخوانی بیشتری دارد.

و اما موضوع صنعت بیمه با اقتصاد تعاونی محور. تعاونی‌ها مردمی‌ترین نوع اقتصاد هستند و صنعت بیمه نیز مردمی‌ترین صنعت کسب‌وکاری کشور به شمار می‌رود. پس از منظر مردمی بودن هم تعاونی‌ها و هم صنعت بیمه نقاط مشترک بسیاری دارند. نکته بعدی اینکه از آنجا که تعاونی‌ها از سرمایه‌های اندک تشکیل می‌شوند و در پروژه‌های بزرگ اقتصاد ملی را رقم می‌زنند، نقشی که صنعت بیمه کشور نیز امروز در اقتصاد کشور به دوش می‌کشد، تبدیل سرمایه‌های اندک مردم به اقدامات عملیاتی بزرگ اقتصادی در صحنه ملی و حتی گاهی اوقات در عرصه‌های بین‌المللی است. بنابراین این دو بخش باید بسیار به هم کمک کنند. به خصوص صنعت بیمه که باید در توسعه، توانمندی و شناخت نقاط آسیب‌بناهای کسب‌وکار مردم‌پایه تلاش مضاعفی داشته باشد و مشکلات آنها را با مشارکت خود تعاونی‌ها از طریق سازوکار بیمه‌ای رفع کند و به تعبیری می‌تواند منبع تأمین مالی و شناسایی ریسک‌های اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی مردم‌نهاد و در نهایت مدیریت ریسک‌های آنها و به حداقل رساندن عملیاتی و مالی آنها یاری برساند. شرکت‌های بیمه باید با استفاده از همه ظرفیت و توانمندی‌های صنعت بیمه به تعاونی کمک کنند که در این صورت به اقتصاد ملی و مقاومتی کشور کمک کرده‌اند. صنعت بیمه با حمایت از بنگاه‌های اقتصادی بعضاً کوچک اما بسیار باارزش و مبتنی بر گروه‌های کثیری از اقشار متوسط و رو به پایین جامعه بتواند نقشی پررنگ در توسعه و اعتدالی اقتصاد کشور داشته باشد.